کودتای سوم

گل آوری، عبدالکاظم

ایران،سه کودتا دیده است:کودتای اولی در دوران‏ محمد علی شاه قاجار(علیه آزادی‏خواهان)،کودتای دوم در زمان‏ رضا خان(علیه احمد شاه)،و کودتای سوم(علیه مردم ایران و دولت‏ ملی دکتر محمد مصدق).

ملی کردن نفت توسط مصدق،ریشه‏ی درختی بود که ساقه‏ها و برگ‏هایش به کل منطقه‏های دنیا رسید.(ریچارد نیکسون- رییس جمهور مخلوع امریکا)

گفتار بالا شاید به نوعی تایید کودتای 28 مرداد سال 1332 باشد، چرا که جهان‏خواران سنتی به هیچ وجه،حرکت‏های مردمی را که در راستای اعمال حاکمیت بر منابع حیاتی خودشان بود،برنمی‏تافتند.

وحشت سیاستمداران انگلوفیل از به اصطلاح«ایران کمونیست» و کینه‏ی انگلوساکسون‏ها از ملی شدن نفت ایران،آنان را به گزینه‏ی‏ سنتی‏شان یعنی«کودتا»و سرکوب خیزش انقلابی ملی شدن نفت در ایران رساند.

شرکای کودتا که جهانیان چهره‏ی واقعی آنان را در شیلی،گنگو، گواتمالا و...دیگر نقاط جهان سوم،دیده‏اند در توجیه اعمال ضدّ خلقی‏شان از طریق شبکه‏های رسانه‏یی جهانی خود از هیچ‏گونه دروغ‏ و افترا ابا نداشتند،به کمک مافیای جاسوسی خود(سیا و اینتلیجنت‏ سرویس)تا اعماق جوامع فقیر جهان سوم،نفوذ کرده و با تشویق و تطمیع عوام الناس به انجام نقشه‏های پنهانی خود،صورت حقیقی‏ می‏دادند.

امپریالیسم امریکا با همه‏ی توان سعی در کنترل ذخایر نفتی‏ جهان داشت تا از این راه بر استیلای نفتی و اقتصاد جهانی پایدار بماند و تسلط سیاسی خود بر ذخایر نفتی خاورمیانه را تثبیت نماید.

چرچیل،سردمدار دژ کهن استعمار که علاوه بر ملی شدن نفت، انتخاب،دکتر مصدق را به عنوان مرد سال(1953 م)از سوی مجله‏ی‏ تایم چون بغضی در گلو،گرفته بود،کینه‏ی مصدق و مردم حق‏جوی‏ ایران را به دل داشت.سراسسیمگی دوقلوهای نفتی(امریکا و انگلیس) به جهت ترس از دست دادن ایران و به تبع آن نفت،سرانجام آنان را به انجام عملیات کودتا وادار نمود.پس،با سرازیر کردن دلارهای‏ پیشکشی به سران ارتش شاه،درباریان،اوباش و اراذل خیابانی،دولت‏ ملی دکتر مصدق را از میان برداشتند.کودتاچیان سنّتی با این‏ پروسه‏ی ننگین،بیش از پیش دچار ویروس خودپسندی شده و با همه‏ی سر و صدایی که در سکوهای تبلیغاتی خود در راستای محو سترونی مشروعیت خود به کار بردند،نتوانستند تز«اسطوره‏ی‏ ابردولتی»خود را به جهانیان تلقین کنند و زمانی به خود آمدند که‏ متوجه شدند همه‏ی پیش انگاره‏های آنان،اشتباه بوده و از قبل گرفتار چندپاره‏گی ذهنی شده‏اند و در اثر پدیده‏ی جنبش‏های«دموکراسی‏ زنده»،اسیر نسیم‏های لیبرالیزه‏ی مردم جهان سوم گردیده‏اند.

در پایان،نتایج کودتای ننگین 28 مرداد سال 1332 شمسی،به‏ اختصار بیان می‏شود:

1-سقوط قدرت امپریالیسم انگلیس در ایران و در نهایت در خاورمیانه و نفی قیمومیت و سیطره‏ی آن کشور بر ایران.

2-برملا شدن چهره‏ی استعمار و ایادی داخلی‏اش برای مردم‏ ایران.

3-قطع درآمدهای کلان پیر استعمار از فروزش نفت ایران.

4-قطع عملیات(دست‏یازی)به ایران و افشای چهره‏ی ضعیف‏ حکومت شاه.

5-انسجام و هماهنگی نیروهای روشنفکر ایرانی در جهت مبارزه‏ با رژیم دست نشانده‏ی شاه تا سقوط نهایی آن در سال 1357 شمسی.

6-پیدایش پدیده‏ی مصدق به عنوان«نماد آزادی»در ایران و خاورمیانه.4

7-سرکوبی دولت ملی دکتر مصدق،باعث ایجاد احساسات ضدّ غربی در ایران و خلیج فارس و ماورای آن گردید.5

8-رسوایی کودتاچیان در انظار عمومی جهانیان در اثر افشاگری‏های مصدق،در بیدادگاه نظامی شاه.6

9-این کودتا،شاه را در مسیری قرار داد که بیست و شش سال‏ بعد،به گونه‏یی شرم‏آور برای خود او و امریکا،وضعی به وجود آورد که‏ هر دو مجبور به خروج از ایران شدند.7

10-عملیات سیا (CIA) ،زیر نام(آژانس یا چکمه)به امریکا، جسارت دخالت در کودتا در شیلی،کنگو،ویتنام را داد تا چهره‏ی واقعی‏ خود را برملا نماید و خشم و نفرت مردم دنیا را علیه خود برانگیزد.

منابع

1-همه‏ی آدم‏های شاه،استیون کینزر،ترجمه‏ی منیژه شیخ جوادی،(بهزاد)

2-خردنامه‏ی همشهری،مصاحبه با ویلیام هاروی.

3-سقوط امپراتوری انگلیس و دکتر محمد مصدق،بریان لیپینگ،ترجمه‏ی‏ محمود عنایت.

4-همه‏ی آدم‏های شاه.

5-مری.آن.هایس.همان.

6-ویژه‏نامه‏ی روزنامه‏ی شرق،درباره‏ی ملی شدن نفت،اسفند 1384.

7-همه‏ی آدم‏های شاه.